

عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر شهرستان کرج به مصرف مواد مخدر

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۸۹/۴/۲۰

دکتر جعفر هزارجریبی^۱، مهدی ترکمان^۲ و غلامرضا مرادی^۳

چکیده

زمینه و هدف: در این پژوهش عوامل و متغیرهایی نظیر: خانواده، همسالان، ماهواره، اینترنت، هنرمندان، ورزشکاران و دریافتی ماهیانه (پول توجیبی) نوجوان از خانواده به عنوان عوامل تأثیرگذار بر گرایش نوجوانان و جوانان به مصرف مواد مخدر تعیین شده که به بررسی آن خواهیم پرداخت. روش: نوع پژوهش کاربردی و روش آن توصیفی از نوع پیمایشی است؛ جامعه آماری ۱۰۰ نفر از جوانان و نوجوانان زیر ۲۵ سال دو کمپ ترک اعتیاد شهرستان کرج به صورت تمام شمار هستند؛ ابزار جمع آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته است که اساتید و صاحب نظران روایی آن را تأیید نمودند همچنین پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha = 0/75$) تعیین گردیده و از آزمون رگرسیون به تجزیه و تحلیل سؤالها و فرضیه‌ها پرداخته‌اند.

یافته‌ها: عوامل اقتصادی، رسانه‌های جمعی، گروه‌های مرجع، نهادهای اجتماعی به ترتیب در گرایش نوجوانان و جوانان به مصرف مواد مخدر تأثیر دارند.

نتیجه‌گیری: برای کاهش گرایش نوجوانان و جوانان به مصرف مواد مخدر پیشنهاد می‌شود، نهادهای مختلف اجتماعی (خانواده، مدرسه، جامعه) با ایجاد تفریح‌های سالم، تغییر برنامه‌های موجود در رسانه‌ها، رفع محدودیت‌های گروه‌های مرجع داخلی، ارتقای سطح تحصیلات خانواده‌ها، توجه والدین به فرزندان و مراقبت در عضویت گروه همسالان در جهت پیشگیری جدی توجه لازم را داشته باشند از سوی دیگر سازمان ناجا با تشکیل پلیس نوجوانان و رسیدگی بیشتر به وضعیت این قشر، در جهت پیشگیری از گرایش نوجوانان و جوانان به مصرف مواد مخدر اقدام‌های لازم را به عمل آورد.

کلیدواژه:

گرایش به مواد اعتیادآور Substance abuse، نوجوانان و جوانان Teenagers & Youths، مواد مخدر Drug، گروه‌های همسالان Peer groups، گروه‌های مرجع، رسانه‌های جمعی و سطح درآمد (پول توجیبی).

□ **استناد:** الوانی، هزارجریبی، جعفر؛ ترکمان، مهدی؛ مرادی، غلامرضا (۱۳۸۹). تابستان. عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان و

جوانان پسر شهرستان کرج به مصرف مواد مخدر. *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، ۵ (۲)، ۳۲۲-۳۳۹.

۱. دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

۲. کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی (نویسنده مسئول)

۳. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی

مقدمه

در حال حاضر یکی از مسایل و مشکلات کلان شهرها از جمله شهرستان کرج شیوع مصرف مواد مخدر بین این قشر از جامعه می باشد که بخش وسیعی از جمعیت شهرستان را شامل می شود و نگرانی های زیادی را بین والدین و مسئولان جامعه ایجاد نموده است. افراد و نهادهای مختلف در این زمینه بررسی های فراوانی انجام داده اند که هر یک به بخشی از عوامل مؤثر بر مصرف مواد مخدر در بین قشرهای مختلف خصوصاً جوانان پرداخته اند و در هیچ یک از آن ها به موضوع نوجوانان اشاره نشده است در حالی که اهمیت نوجوانی بیش از جوانی است و در مسایل تربیتی و آموزشی به طور عموم دوران نوجوانی مهم تر از سایر ادوار زندگی است و نباید از آن غافل شد.

انسان در فرایند جامعه پذیری^۱ از طریق کنش های متقابل اجتماعی «شیوه راه رفتن و گفتن» را می آموزد و به تدریج به کسب تجربه های مختلف می پردازد (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۴۹). دوران نوجوانی به ترین دوران زندگی جهت کسب تجربه های مختلف است؛ در این دوران نوجوان سعی می کند با تأسی از رفتار بزرگسالان به کسب تجربه پرداخته و رفتار جدیدی را از خود بروز دهد. اما باید توجه داشت که گرایش به تغییر نیز جنبه جدایی ناپذیر زندگی اجتماعی و اصلی بنیادی در فرهنگ است. عناصر فرهنگی در هر جامعه ای آن چنان به هم پیوند خورده اند که تغییر هر عنصر، موجب تغییر در عنصرهای دیگر می گردد. بنابراین همیشه نوجوانان و جوانان به عنوان نیروهای نوآور با کنار زدن تدریجی یا سریع نسل گذشته به عنوان نیروهایی که حافظ وضع موجود هستند، جایی را برای خود باز می کنند و موجب تغییر می شوند. ولی بیشتر افراد جامعه، دگرگونی را به خصوص اگر از پیامدها و هزینه های آن آگاه باشند، به طور سراسری نمی پذیرند (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۷۱).

در سده های اخیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی از سرعت بالا و دامنه داری برخوردار شده است. به گونه ای که نظیری برای آن نمی توان پیدا کرد. این تغییرات ممکن است بعضاً اثرهای نامطلوبی در زندگی اجتماعی ایجاد کنند که موجب دشواری تطابق اجتماعی می شود، یعنی فرد به زحمت می تواند خود را با تغییرهای تازه همراه کند. به همین دلیل است که می بینیم با وقوع انقلاب صنعتی و تغییر وضعیت زندگی مردم، دامنه

1. Socialization

نیازمندی‌های آن‌ها گسترش می‌یابد. از طرف دیگر به دلیل محرومیت‌های ناشی از برآورده‌نشدن نیازها و خواسته‌های بی‌شمار افراد، زمینه ایجاد انحراف‌ها و کجروی‌ها مانند: تبه‌کاری، سرگردانی، سرقت، اعتیاد، انحرافات جنسی و... فراهم می‌گردد. در این میان، کارگزاران جامعه‌پذیری، نهادهای اجتماعی و افرادی که جامعه‌پذیری در سال‌های نخستین زندگی آن‌ها رخ می‌دهد (نوجوانان و جوانان)، دارای بیشترین اهمیت هستند. در جامعه‌های نوین، خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌های گروهی به واسطه قدرت و تأثیر پیوسته‌ای که بر شکل‌گیری منش، شخصیت و رفتار انسان می‌گذارند، می‌توانند در انتخاب یک مسیر صحیح و سالم و یا انحرافی، تأثیر داشته باشند. نوجوان از روان‌شناسی خاصی برخوردار است؛ وی از سویی سرشار از خیر خواهی و عواطف رقیق انسانی و از سوی دیگر بلندپرواز، ماجراجو و قهرمان‌گر است. از یک سو به دنبال یافتن هویت مشخصی برای خودش بر می‌آید و از سوی دیگر به هم‌نوایی با جمع همسالانش می‌پردازد و غالب ارزش‌های خویش را از این گروه اخذ می‌کند. استقلال‌طلبی، هیجان‌جویی، تغییر در تأثیرپذیری از والدین، نگرانی‌های ناشی از تغییرهای شکلی و بدنی، دوگانگی روانی و ... در مجموع حالتی سیال را برای نوجوان پدید می‌آورند. نوجوان در این فضای خاص آماده شکل‌پذیری است بسته به اینکه چه کسی به وی توجه می‌نماید و برایش سرمایه‌گذاری می‌کند اغلب به همان سمت و سو متوجه می‌شود. (منطقی، ۱۳۷۷، ص ۱۹).

بدون شک در میان مراحل مختلف زندگی انسان، نوجوانی به دلیل ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی که دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نوجوانی دوره‌ای است که طی آن فرد از یک طرف با تغییرهای سریع و ناگهانی فیزیکی و جسمی روبه‌رو است و به طبع این تغییر، از طرف دیگر دگرگونی و تحولات روانی نیز به وقوع می‌پیوندد که موجی از تلاطم و تشویش فکری را به راه می‌اندازد. به نظر می‌رسد که این تشویش و ناآرامی ناشی از منبع خانواده، هنجارها و مقررات حاکم بر آن (در سطح کلی‌تر جامعه) و نیز خود نوجوان و نظام ارزشی خاص او باشد. بنابراین اگر در این مسیر و دوره گذر نوعی تعادل بین تغییر فیزیکی و فکری نوجوانان و همچنین نوع جو حاکم بر خانواده برقرار نشود، ممکن است پیامدهای منفی‌ای مانند: مشکلات رفتاری و انحراف‌های اجتماعی را به همراه داشته باشد. اثر این انحراف و بزه‌کاری‌ها هم برای نوجوان و خانواده‌اش و هم برای جامعه جبران‌ناپذیر خواهد بود (خدایاری فرد، ۱۳۷۱، ص ۴۸).

بعضی از دانشمندان جرم‌شناس پیدایش انواع جرایم ارتكابی نوجوانان را معلول عواملی نظیر توسعه ناگهانی صنایع، وسعت و گسترش غیراصولی شهرها، برخورد ملل و اقوام گوناگون، در هم ریختن و از هم پاشیدگی خانواده‌ها، سست شدن پایه‌ها و مبانی مذهبی و اخلاقی و عواملی از این قبیل می‌دانند. از طرف دیگر می‌توان گفت که قرن حاضر، قرن اضطراب و سرعت است و در چنین وضعیتی نوجوانان عجله دارند تا هرچه سریع‌تر خود را به مقصد خیالی مورد نظر خود برسانند و برای آن‌ها تفاوتی ندارد که در این راه، قواعد و مقررات و قوانین در هم شکسته شوند؛ بنابراین لازم است که وی توسط خانواده و مربیان هدایت شود تا بتواند راه صحیح موفقیت را پیدا کند و به بیراهه کشیده نشود.

گسترش اعتیاد و دامن‌زدن به مصرف بیشتر مواد مخدر به‌ویژه حشیش و مواد صنعتی روان‌گردان در بین نوجوانان یکی از معضله‌های جامعه کنونی ما در کلان‌شهرها به‌خصوص کلان‌شهر مورد مطالعه یعنی کرج محسوب می‌گردد. شهرستان کرج به واسطه نزدیکی به پایتخت و دارا بودن شرایطی از قبیل گستردگی خارج از قواره شهری، صنعتی و غیر بومی بودن بیش از ۷۰٪ جمعیت (آمار غیررسمی) و ... به شدت تحت تأثیر معضله‌ها و ناهنجاری خرده‌فرهنگی قرار گرفته و برابر اعلام مسئولان انتظامی میزان بزه‌کاری در آن بسیار زیاد و دامنه آن رو به افزایش است. این شهرستان بخش عمده‌ای از جمعیت مهاجر جویای کار را در خود جای داده است. جمعیتی که به دلیل جدایی از فرهنگ قومی و بومی خود اقدام به ایجاد خرده فرهنگ خاص نموده و سبب انحراف رفتاری نسل جوان و نوجوان شهرستان کرج از هنجارهای جامعه گردیده است. در حال حاضر گرایش نوجوانان و جوانان کرجی به مواد مخدر و استعمال آن به صورت فردی و گروهی، سبب نگرانی والدین و مسئولان جامعه‌شده و نسل آینده کشور را تهدید می‌کند.

«مطابق مندرجات روزنامه واشنگتن پست در گزارشی از تهران، بر اساس گزارش سال ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد ایران رکورددار تعداد معتادان در جهان است به طوری که ۲/۸٪ از جمعیت ۷۰ میلیونی این کشور به مواد مخدر اعتیاد داشته و از این لحاظ ایران در جهان بی‌رقیب است. گزارشگر واشنگتن پست پس از اشاره به ارزان بودن مواد مخدر در ایران به دلیل نزدیک بودن این کشور به منابع کشت خشخاش در افغانستان به دلایل اعتیاد ایرانیان پرداخته و با اشاره به شرایط اقتصادی ایران نوشت: مصرف هروئین در بین جوانان مایوس و بیکار بسیار رایج است. طبق نظرسنجی دولت معلوم گردیده که ۸۰٪ ایرانی‌ها معتقد به وجود رابطه مستقیمی بین بیکاری و اعتیاد هستند. آذرخش مکرری مدیر مرکز

مطالعات اعتیاد در ایران می‌گوید: «قریب به ۲۰٪ جمعیت بزرگسال ایران به نحوی مواد مخدر مصرف می‌کنند....»

هزینه مصرف این مواد سالیانه ۳ الی ۵ میلیارد دلار می‌باشد. قریب ۲۰۰ هزار جوان در ایران به هروئین معتادند چون این ماده مخدر در بین جوانان بسیار رایج است. جوانان توجه چندانی به تریاک ندارند چون مصرف تریاک در بین سالمندان بالا است. به‌طور اساسی تریاک به‌عنوان دارو یا آرام‌بخش علیه درد مصرف می‌شود ولی هروئین به فرد کمک می‌کند از حقایق و واقعیت‌ها فرار نماید. یک جوان که در قبل زیبایی اندام کار می‌کرد می‌گوید: «هزینه تهیه هروئین از تهیه یک ساندویچ کمتر است. این گزارش می‌افزاید ۶۸٪ معتادان مصرف مواد مخدر را قبل از ۲۰ سالگی شروع کرده‌اند» (com.sivash.nikblog)

اگرچه آمار دقیقی از میزان آلودگی نوجوانان و جوانان شهرستان کرج از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط منتشر نگردیده اما به تناسب شرایط خاص شهرستان کرج وجود وضعیتی مشابه آنچه که در گزارش فوق اشاره گردید، سبب بروز نگرانی شدید در بین والدین و مسئولان شهرستان گردیده است. به همین دلیل می‌باشد که می‌گویند پیشگیری مهم‌تر از درمان است و بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی بر آنند که برای مبارزه با کجرفتاری‌ها باید زمینه اجتماعی آن‌ها را از میان برداشت. برای حصول این منظور رعایت دو اصل ضروری است: ۱- سالم‌کردن محیط اجتماعی کودکان یعنی خانواده؛ ۲- سالم‌سازی محیط اجتماعی همگان یعنی جامعه (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۲۱). این پژوهش سعی دارد تا با شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان به سمت انحراف و جرم و تبیین راهکارهای اجرایی مقابله با آن گام کوچکی در جهت رفع آلودگی و پیشگیری از گرایش نوجوانان و جوانان به مصرف مواد مخدر بردارد.

پیشینه تحقیق: شاید بتوان گفت در سطح جهانی اولین مطالعه علمی در زمینه نگرش خرده فرهنگی به انحراف‌ها، توسط دانشمندان مکتب شیکاگو انجام‌شده است (امین صارمی، ۱۳۸۰، ص ۳۲)؛ اما برخی فعالیت‌های صورت گرفته در این زمینه را می‌توان به شرح ذیل نام برد:

شاو و مک‌کی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که بین میزان تبه‌کاری با تأثیر خرده فرهنگ‌های محیطی در مناطق معین رابطه مستقیم وجود دارد. تراشر و وایت در دهه ۱۹۲۰ در زمینه جامعه گوشه خیابان، مراسم‌ها و رفتارهای آنان مطالعه نمودند. مرتن در تحلیل‌های خود چگونگی انحراف تحت‌تأثیر فرهنگ و ساختارهای جامعه را بیان نموده

است. کوهن، بکر هال و رابرت نیز به تحقیقاتی در این زمینه پرداخته و نتایجی به دست آورده‌اند. در زمینه نظام ارزشی دسته‌های خیابانی امریکا و پی‌بردن به منشأ خرده‌فرهنگ آن‌ها می‌توانیم به کارهای کوهن (۱۹۹۵)، میلر (۱۹۴۶) و ماتزا مراجعه کنیم (مظلومان، ۱۳۵۳، ص ۱۲۴).

در تحقیقات داخلی امانت (۱۳۷۳)، در پایان نامه خود، تحت عنوان بررسی عوامل اجتماعی بزه‌کاری نوجوانان در تهران به بررسی بزه‌کاری نوجوانان اشاره‌شده که شرایطی نظیر: گسستگی روابط اعضای خانواده، حمایت‌های عاطفی، روابط اخلاقی و وجه ابزاری خانواده در شدت بزه‌کاری مؤثر واقع شده است. در پایان‌نامه روزبهنانی (۱۳۷۸) نقش خانواده به‌عنوان عامل و مانع بزه‌کاری نوجوانان مطرح می‌شود. نتایج حاصله از این تحقیق بیانگر آن است که برخی از ناهنجاری‌ها ناشی از عدم تحقق غرایز و نیازهای نوجوانان می‌باشد و خانواده نقش اساسی در ارضای این نیازها دارد.

اهمیت و ضرورت تحقیق: در توسعه، پیشرفت و بقای هر سازمان و کشوری، بی‌شک عامل انسانی یکی از با ارزش‌ترین عوامل به‌شمار می‌آید. این امر نیز بر کسی پوشیده نیست که دوام و بقای جوامع به تعامل و چگونگی روابط افراد آن با یکدیگر بستگی دارد. از سوی دیگر شواهد فراوان نشان می‌دهد که در حالت بروز دگرگونی‌های سریع اجتماعی، مشکلات اجتماعی به هیچ وجه کاهش نمی‌یابد بلکه همواره از نظر کمی بر میزان آن‌ها افزوده می‌شود. دگرگونی‌های اجتماعی از قبیل: گسترش شهرها و افزایش جمعیت و... پیامدهای بی‌شماری نظیر: فقر، مسایل بهداشتی، فرهنگ‌زدگی و... را به‌دنبال خواهد داشت. بنابراین، باتوجه به حساسیت دوره نوجوانی و آسیب‌پذیری نوجوانان، شناخت ویژگی‌های منحصر به فرد آنان، خانواده و شرایط زندگی و نوع جو حاکم بر آن و نیز تعامل این دو مؤلفه با هم، می‌توانند باعث بروز و ظهور استعداد‌های نوجوانان شوند.

این پدیده می‌تواند مسایل و پیامدهایی مانند انحراف‌های رفتاری و اجتماعی بزه‌کاری نوجوانان را به همراه داشته باشد و به این لحاظ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. غافل ماندن از نوجوانان و جوانان و مسایل آن‌ها خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه دارد و به عکس شناخت ویژگی‌های آنان می‌تواند در نحوه برخورد با آن‌ها، به والدین، مربیان و مسئولان دست‌اندرکار تعلیم و تربیت کمک شایانی نماید. این شناخت نه تنها باعث درک عمیق‌تر نوجوانان می‌گردد بلکه زمینه‌هایی را فراهم می‌آورد تا در طرح و برنامه‌ریزی و به کار بردن امکانات آموزشی و تربیتی، به ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی آنان توجه گردد و در

نهایت رفتار به هنجار از نابهنجار تشخیص داده شود و انتظاراتی مطابق سن، ویژگی‌ها و موقعیت آنان در نظر گرفته شود.

شهرستان کرج به واسطه نزدیکی به پایتخت و دارا بودن شرایطی از قبیل گستردگی خارج از قواره شهری، صنعتی بودن، مهاجرت بیش از حد قومیت‌های مختلف و غیر بومی بودن بخش عمده‌ای از جمعیت شهرستان و... به شدت تحت تأثیر معضله‌ها و ناهنجاری‌های خرده فرهنگی قرار گرفته است، به گونه‌ای که برابر اعلام مسئولان انتظامی میزان بزه کاری ساکنان آن بسیار زیاد و دامنه آن رو به افزایش است. بی‌توجهی به انحراف‌ها و بزه کاری افراد جامعه خصوصاً قشر نوجوان، مانند بی‌توجهی به زخم و عفونت ایجادشده در بدن است که باعث سرایت عفونت به تمام بدن می‌شود و این عفونت و آسیب تا جایی پیش می‌رود که سبب مرگ انسان می‌گردد.

به منظور حفظ و بقای جامعه اسلامی و ایرانی، که در آینده‌ای نه چندان دور می‌باید به نوجوانان سپرده شود باید اقدامات عاجلی صورت پذیرد. ناگفته نماند قبل از هر اقدامی باید وضعیت موجود بررسی شود تا پادزهری متناسب با بیماری به کار برده شود. به این ترتیب به نظر می‌رسد که توجه به مقوله نوجوانان، جوانان و عوامل گرایش آنان به خرده فرهنگ جرم از جمله موضوع‌های مهم و کلیدی برای تحقیق، پژوهش، تبیین و پیش‌بینی هر چه بیشتر نوجوانی و مسایل ویژه آنان باشد.

مبانی نظری: جامعه‌شناسان و نظریه پردازان طی یکی دو قرن گذشته نظریه‌های متفاوت و راه‌گشایی در زمینه انحرافات اجتماعی منتشر کرده‌اند که هر کدام با توجه به ساختار جامعه و شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه می‌تواند تبیین‌کننده انحراف‌ها و ارائه‌دهنده راه‌حل در این زمینه باشد. به برخی نظرها در این زمینه اشاره می‌نماییم.

۱. نظریه آنومی (بی‌هنجاری) دورکیم: دورکیم (۱۹۵۱) از جمله نظریه‌پردازان قرن نوزدهم است. نظریه اختلال هنجاری که بیشتر از «دورکیم» و «پارسونز» و به‌طور کلی کارکردگرایان وام گرفته شده، بعد هنجاری ساختار اجتماعی در جامعه را مهم می‌پندارد و معتقد است اگر در آن اختلال روی دهد، حس همبستگی و انسجام در جامعه را مختل کرده و فرد را از نظر الگوی رفتاری دچار مشکل نموده و آنومی را در وی تقویت می‌نماید که از این لحاظ، گرایش به انحراف‌هایی چون اعتیاد به مواد مخدر اجتناب ناپذیر است.

۲. نظریه فشار ساختاری: پس از دورکیم رابرت مرتن^۱ (۱۹۶۸) جامعه شناساس امریکایی نظریه فشار ساختاری^۲ خود را بر پایه نظریه بی‌هنجاری او تعمیم داد. وی علت ریشه‌ای انحراف‌ها را شرایط ساختی جامعه می‌داند. وی معتقد است دو ساخت اساسی در جامعه وجود دارد: «اهداف^۳ نهادی‌شده» و «وسایل^۴ نهادی‌شده» که ارزش‌ها، امور مطلوب و شیوه‌های استاندارد، کنشی برای رسیدن به آن اهداف در جامعه است. تعامل بین این دو ساخت موجب بروز رفتارها و شخصیت‌های مختلف و گاه متناقض در جامعه می‌شود. به نظر مرتون، چهار تیپ «شعائرگرا»^۵، «انزواطلب»^۶، «توآور»^۷ و «شورش‌ی»^۸ در کنار «هم‌نوایان»^۹ معلول شرایط جامعه و برخورد این دو ساخت هستند که هرکدام شیوه خاص انطباق فردی با این دو ساخت است. یکپارچگی و انسجام در جامعه هنگامی است که میان این دو ساخت اساسی، تعادل وجود داشته باشد. اما اگر اهداف و ارزش‌های نهادی‌شده مانند: منزلت و ثروت در جامعه تبلیغ شود و ارزش‌ها و هنجارها، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و تبلیغات و به‌طور کلی جامعه‌پذیری بر آن تأکید ورزند و در کنار آن وسایل دسترسی به این اهداف وجود نداشته باشد، تیپ‌های مختلف شخصیتی و رفتاری بروز و ظهور می‌یابند. در ایران و به‌خصوص در میان نوجوانان به علت همین تعارض‌ها، مواجه با ظهور دو تیپ انزوا طلب و بدعت‌گذار هستیم که بستر مناسب برای ظهور رفتار انحرافی نیز برایشان فراهم است و در اکثر موارد نیز فرد را با ناکامی روبه‌رو می‌سازد که برای جبران ناکامی‌ها گرایش به مواد مخدر امری عادی است.

۳. نظریه انتقال فرهنگی: نظریه انتقال فرهنگی^{۱۰} بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با «دوستان ناباب» آموخته می‌شود. ادوین ساترلند (۱۹۳۹) به این امر معتقد بود که رفتار انحرافی از طریق «معاشرت با اغیار» یا «پیوند افتراقی»

-
1. R. Merton
 2. Structural Strain Theory
 3. goals
 4. Instruments
 5. Riutalism
 6. Retreatist
 7. Innovator
 8. Rebellion
 9. Conformists
 10. Cultural – transmission Theory

یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند تبهکاران آموخته می‌شود (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹). نظریه یادگیری معتقد است که جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی واقع می‌گردد. «ساترلند» با این تحقیقات، خرده فرهنگ‌های گوناگون در شهرهای بزرگ را توجه نمود و معتقد بود در برخی مناطق شهری، کج رفتاری در جریان کنش متقابل با دیگران آموخته می‌شود.

بخش اصلی یادگیری رفتار کج‌رو در اثر ارتباط صمیمی درون گروه انجام می‌گیرد و در جریان این یادگیری، روش‌های ارتکاب جرم، توجیه، انگیزه‌ها و گرایش‌ها آموخته می‌شود و الگوی رفتار انحرافی برای فرد مهم‌تر و ارزشمندتر از الگوی قانونی موجود تلقی می‌گردد و با توجه به فراوانی معاشرت، این رفتار به هنجار جا افتاده در فرد مبدل می‌شود. در ایران این مسئله به خوبی در مدارس، کانون اصلاح و تربیت و... قابل تبیین است که مکان‌هایی با هنجار و سازماندهی خاص خود است که می‌تواند فرد را به سمت بزه‌کاری رهنمون سازد و تنها زمانی رفتار انحرافی مانند مصرف مواد مخدر آموخته می‌شود که توسط گروه‌های مختلف (به‌ویژه دوستان ناباب) و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت در معاشرت بین افراد انتقال یابد و به قول «هاوارد بکر» اگر فردی به تنهایی و بدون یادگیری از مواد مخدر استفاده کند نه تنها لذتی از آن نبرده، بلکه احساس نارضایتی و وحشت نیز خواهد کرد.

۴. نظریه ناکامی منزلتی: این نظریه توسط جامعه‌شناس معاصر امریکایی «آلبرت کوهن» مطرح شد. او معتقد است طبقات پایین در جامعه از نظر دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند و این در حالی است که جامعه آن‌ها را به کسب منزلت تشویق می‌کند و امکان دستیابی را در اختیار آنان قرار نمی‌دهد. طبقات پایین در جامعه‌پذیری، آموزش و پرورش، هنجارها و ارزش‌ها با تبلیغ خصایص و ارزش‌های طبقه متوسط روبه‌رو هستند در حالی که از تحرک اجتماعی و حضور در این طبقه محروم می‌باشند. همین مسئله موجب احساس یأس، سرخوردگی و ناکامی در این طبقه می‌گردد؛ در ایران نیز به علت شکست و سرخوردگی نوجوانان و جوانان در کسب منزلت و ارزش، به ناچار افراد به خرده فرهنگ‌های بزه‌کاری روی می‌آورند که در این خرده‌فرهنگ‌ها کج‌روی‌هایی مانند: گرایش به مواد مخدر خود ارزش، راه حل و حتی راه رسیدن به منزلت تعریف می‌شود. میل به مصرف مواد مخدر از این منظر نه با هدف سودمندگرایانه بلکه برای لذت جویی و کسب منزلت انجام می‌شود و ناکامی منزلتی چنین پدیده‌ای را

در میان طبقه‌های پایین جامعه ایجاب و ایجاد می‌کند.

عوامل مؤثر در گرایش به مصرف مواد مخدر در بین نوجوانان و جوانان: با توجه به واقعیت‌های موجود و البته با نگاه به نظریه‌های جامعه‌شناختی که پیش از این، ذکر آن رفت از ابعاد مختلفی می‌توان به واکاوی مسئله گرایش به مصرف مواد مخدر پرداخت.

۱. **عوامل فردی:** عوامل فردی و ویژگی‌های شخصیتی مانند: اضطراب، استرس، اختلال روانی، افسردگی و یأس و سرخوردگی، ضعف و فقر شخصیتی باعث جست‌وجوی فرد به دنبال عامل تسکین‌دهنده و شخصیت بخش می‌شود که مصرف مواد مخدر یکی از این عوامل به ظاهر تسکین‌دهنده می‌باشد. این مسئله با توجه به فشارهای روانی در میان نوجوانان نقش مهمی در گرایش به مواد مخدر دارد. از دیگر عوامل فردی و شخصیتی که منجر به گرایش به سمت جرم در میان نوجوانان می‌گردد: احساس دل‌تنگی، لذت و تفریح، بزرگ‌شدن و اعتنای دیگران، اعتماد به نفس، عدم امید به آینده، حس می‌توانم و... است.

۲. **عوامل اجتماعی:** عوامل اجتماعی و خانواده دو مسئله مهم در بررسی مسئله گرایش به خرده فرهنگ جرم می‌باشند. خانواده رکن اصلی و حیاتی جامعه و اولین محیطی است که فرد در آن رشد می‌کند و زیربنای شخصیتی وی شکل می‌گیرد. شرایط خانوادگی، سخت‌گیری یا آسان‌گیری افراطی، از هم پاشیدگی و اختلافات درونی خانواده و عدم درونی‌کردن ارزش‌ها و هنجارهای صحیح در خانواده، همگی در ایجاد انحراف‌ها نقش فراوانی دارد. امروزه هم به علت واگذاری کارکرد آموزشی خانواده به مدارس، آموزش و پرورش دولتی، آموزش و نظارت فرهنگی ارزش خانواده در نوجوانان و جوانان کمترشده و همین مسئله، بعضاً موجب جامعه‌پذیری و آموزش غلط افراد در گروه‌های همسالان گردیده که پدیده‌هایی مانند گرایش به مصرف مواد مخدر را به دنبال دارد.

در این مسئله، به جامعه‌پذیری و نقش جامعه، ساختارها، نهادها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در انحراف‌ها باید توجه بیشتری شود. از جمله این عوامل می‌توان به مسئله «اختلال هنجاری» پرداخت که به علت بعد هنجاری ساختار اجتماعی در جامعه بسیار با اهمیت است، ایجاد این اختلال می‌تواند حس همبستگی در جامعه را مختل کرده و فرد را دچار آنومی و انحراف‌هایی از قبیل مصرف مواد مخدر نماید.

۳. **فرهنگ و ارزش‌ها:** هر انسانی تحت تأثیر ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم و ایده‌هایی است که در جامعه تبلیغ و منتشر می‌شود. اما در جوامع در حال گذر که تغییرهای سریع

فرهنگی حاصل می‌شود، فرد دچار آنومی شده و خودباختگی فرهنگی پدید آمده و ارزش‌ها روز به روز تغییر می‌کنند و اختلال هنجاری ایجاد می‌شود که همه این مسایل در ایجاد انحراف‌ها بی‌تأثیر نیست. از دیگر سو وجود فرهنگ استبدادی در خانواده و جامعه، که با سرکوب اعتراض‌ها، عدم بروز خلاقیت‌ها، ایده‌ها و عدم ابتکار و اعتماد به نفس توأم بوده است، اکثر افراد را در هنگام رویارویی با مسایل مختلف، با مشکل مواجه کرده است و جوانان در مواجهه با مسایل مختلف زندگی به یأس و سرخوردگی مبتلا می‌شوند که همین در گرایش آن‌ها به مواد مخدر تأثیر دارد. در اینجا نباید از نقش تبلیغات نیز غافل ماند که مصرف مواد مخدر را در تسکین فکر و کاهش مشکلات ذهنی مؤثر می‌داند. از دیگر جنبه‌های فرهنگ ایرانی، صوفی‌گری، لذت‌بخشی، بیگانگی از کار، گذر عمر دیدن، قناعت به دنیا و... است که این مسئله نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در پدیده اعتیاد در جوانان بررسی گردد.

۴. مسایل اقتصادی: مشکلات اقتصادی، عدم اطمینان به آینده، بیکاری، فشار اقتصادی و نداشتن امکانات رفاهی، نابرابری اقتصادی و شکاف عمیق بین طبقه‌ها و اقشار مختلف در جامعه، و همچنین در مقابل فقر و محرومیت‌ها، منزلت ثروت و ارائه تصویر آرزوهای بلندپروازانه از یک سو خود عاملی برای کسب ثروت از راه‌های غیرمجاز و غیرمشروع مانند تجارت و قاچاق مواد مخدر می‌شود و از سوی دیگر کسانی که نتوانسته‌اند از راه‌های مشروع و غیر مشروع کسب ثروت و منزلت کنند، اکثراً به یأس و سرخوردگی دچار شده و پتانسیل زیادی برای گرایش به مواد مخدر دارند. وجود مسایل اقتصادی به‌طور ملموس و به‌عنوان یک نگرانی میان نوجوانان از مواردی است که در بروز برخی انحراف‌ها نقش فعالی داشته است. تحقیقات اجتماعی ثابت کرده که گرایش به مواد مخدر ارزان قیمت در طبقات فقیر و مستمند بیشتر از طبقات متوسط و رو به بالاست.

هدف اصلی این تحقیق، شناخت عوامل اثرگذار در گرایش نوجوانان و جوانان شهرستان کرج به مصرف مواد مخدر می‌باشد و اهداف فرعی آن عبارت است از:

۱. شناخت تأثیر عواملی از قبیل: نهادهای اجتماعی، رسانه‌های جمعی، گروه‌های مرجع، اقتصاد بر گرایش نوجوانان و جوانان به مصرف مواد مخدر؛
۲. اولویت‌بندی میزان اثرگذاری هر یک از عوامل مذکور در گرایش نوجوانان و جوانان کرجی به مصرف مواد مخدر.

روش

تحقیق حاضر که از نظر نوع و هدف کاربردی و از نظر ماهیت به صورت توصیفی با روش پیمایشی است، سعی در تبیین و توصیف وضعیت داشته و به فراخور کار از اسناد و مدارک موجود استفاده کرده است. پژوهش در شهرستان کرج در سال ۱۳۸۸ انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق ۱۰۰ نفر از نوجوانان و جوانان پسر زیر ۲۵ سال دو مرکز ترک اعتیاد تحت پوشش بهزیستی کرج، در حال ترک اعتیاد، به صورت تمام شمار بودند. متغیر مستقل این تحقیق با توجه به اینکه در اکثر بررسی‌های انجام شده خانواده و همسالان، ماهواره و اینترنت، هنرمندان و ورزشکاران، میزان دریافتی ماهیانه و گروه‌های مرجع از علل گرایش نوجوانان به خرده فرهنگ و انحراف‌های اجتماعی قید گردیده بود از رسانه‌های جمعی (اینترنت و ماهواره) و گروه‌های مرجع (هنرمندان و ورزشکاران) انتخاب گردید. همچنین متغیر وابسته تحقیق گرایش به مصرف مواد مخدر است. در تدوین ادبیات و مبانی نظری تحقیق، جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مطالعه متون و مقاله‌ها با استفاده از روش فیش‌برداری انجام شد. برای نظرسنجی از جامعه آماری از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید؛ روایی آن با پرسش‌نامه سایر تحقیقات مشابه تطبیق داده و نظر اساتید و کارشناس گرفته شد ... برای سنجش پایایی آن از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتیجه محاسبات انجام شده نشانگر اعتبار ۰/۷۵ این پرسشنامه می‌باشد که این اعتبار به وسیله نرم‌افزار SPSS محاسبه گردید. آزمون به کار برده شده در این تحقیق رگرسیون است.

یافته‌ها

فرضیه فرعی اول: واحدهای اجتماعی از قبیل: خانواده و همسالان در گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر تأثیر دارند.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده نموده‌ایم و نتایج ذیل بدست آمده است (جدول ۱).

جدول ۱. آزمون فرضیه فرعی اول

متغیر تأثیرگذار	تعداد	مقدار T	F	R	R ²	B	Beta	سطح معنادار
واحد اجتماعی	۱۰۰	۱۰/۰۱	۰/۷۷۳	۰/۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۸۸	-۰/۰۸۸	۰/۰۰۰

با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از $0/05$ است و همچنین مقدار $T=10/01$ و $F=0/773$ می‌باشد نتیجه می‌گیریم که بین دو متغیر واحد اجتماعی و گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد و چون $R=0/08$ است نتیجه می‌گیریم بین دو متغیر رابطه مستقیم و ناقص وجود دارد و با توجه به این که مقدار ضریب تعیین $R^2=0/008$ ، $0/008$ می‌باشد پس گرایش نوجوانان به خرده فرهنگ جرم ناشی از واحدهای اجتماعی است. بنابراین واحدهای اجتماعی (خانواده و همسالان) در گرایش به مصرف مواد مخدر تأثیر دارند و بین آنها رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید شده است.

فرضیه فرعی دوم: رسانه‌های جمعی از قبیل ماهواره و اینترنت در گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر تأثیر دارند.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده نموده‌ایم و نتایج ذیل بدست آمده است (جدول ۲).

جدول ۲. آزمون فرضیه فرعی دوم

متغیر تأثیرگذار	تعداد	مقدار T	F	R	R^2	B	Beta	سطح معنادار
محصولات فرهنگی	۱۰۰	۷/۸۳۲	۵/۶۶	۰/۲۳	۰/۰۵۵	۱/۲۰۷	۰/۲۳۴	۰/۰۰۰

با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از $0/05$ است و همچنین مقدار $T=10/01$ و $F=0/773$ می‌باشد نتیجه می‌گیریم که بین دو متغیر رسانه‌های جمعی و گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد و چون $R=0/08$ می‌باشد پس نتیجه می‌گیریم بین دو متغیر رابطه مستقیم و ناقص وجود دارد و با توجه به این که مقدار ضریب تعیین $R^2=0/055$ ، $0/055$ می‌باشد. بنابراین، گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر ناشی از محصولات فرهنگی است. همچنین رسانه‌های جمعی (ماهواره و اینترنت) در گرایش به مصرف مواد مخدر تأثیر دارند و بین آنها رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید شده است.

فرضیه فرعی سوم: گروه‌های مرجع از قبیل هنرمندان و ورزشکاران در گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر تأثیر دارند.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده نموده‌ایم و نتایج ذیل بدست آمده است (جدول ۳).

جدول ۳. آزمون فرضیه فرعی سوم

متغیر تأثیر گذار	تعداد	مقدار T	F	R	R ²	B	Beta	سطح معنادار
گروه‌های مرجع	۱۰۰	۹/۴۱	۵/۵۷	۰/۲۳	۰/۰۵۴	۱/۲۶	۰/۲۳۲	۰/۰۰۰

با توجه به اینکه سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و همچنین مقدار $T=۹/۴۱$ و $F=۵/۵۷$ می‌باشد نتیجه می‌گیریم که بین دو متغیر گروه‌های مرجع و گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد و چون $R=۰/۲۳$ است نتیجه می‌گیریم بین دو متغیر رابطه مستقیم و ناقص وجود دارد و با توجه به این که مقدار ضریب تعیین $R^2=۰/۰۵۴$ می‌باشد بنابراین گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر ناشی از گروه‌های مرجع قرار می‌گیرد. همچنین گفتنی است گروه‌های مرجع (هنرمندان و ورزشکاران) در گرایش به مصرف مواد مخدر تأثیر دارند و بین آن‌ها رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید شده است.

فرضیه فرعی چهارم: میزان دریافتی ماهیانه از والدین در گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر تأثیر دارند.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده نموده‌ایم و نتایج ذیل بدست آمد (جدول ۴).

جدول ۴. آزمون فرضیه فرعی چهارم

متغیر تأثیر گذار	تعداد	مقدار T	F	R	R ²	B	Beta	سطح معنادار
دریافتی ماهیانه	۱۰۰	۴/۷۱	۰/۹۴	۰/۰۹۸	۰/۰۱	۱/۲۹۲	۰/۰۹۸	۰/۰۰۰

با توجه به اینکه سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و همچنین مقدار $T=۴/۷۱$ و $F=۰/۹۴$ می‌باشد نتیجه می‌گیریم که بین دو متغیر دریافتی ماهیانه و گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد و چون $R=۰/۰۹۸$ می‌باشد نتیجه می‌گیریم بین دو متغیر رابطه مستقیم و ناقص وجود دارد و با توجه به این که مقدار ضریب تعیین $R^2=۰/۰۱$ است پس گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر ناشی از دریافتی ماهیانه می‌باشد. بنابراین میزان دریافتی ماهیانه (پول توجیبی) در گرایش به مصرف مواد مخدر تأثیر دارد و بین آن‌ها رابطه وجود دارد و فرضیه فوق تأیید شده است.

فرضیه اصلی: نوجوانان و جوانان پسر کرجی به مصرف مواد مخدر گرایش دارند. با توجه به نتایج حاصله از جداول فرضیه‌های فرعی ۱، ۲، ۳ و ۴ و تأیید روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته و اثبات فرضیه‌های فرعی نتیجه می‌گیریم که فرضیه اصلی نیز تأیید شده است و می‌توان گفت که نوجوانان و جوانان کرجی به مصرف مواد مخدر گرایش دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های تحقیق سهم متغیرهای مستقل را در گرایش به مصرف مواد مخدر به شرح ذیل می‌توان اولویت‌بندی و استنباط نمود:

۱. اقتصاد: با نگاهی به جداول آماری در می‌یابیم که ۸۱٪ افراد از درآمد متوسط و بالا برخوردار بوده‌اند که ۶۵٪ آن‌ها را افراد طبقه متوسط تشکیل داده است. با توجه به اینکه $R^2=0/01$ است و میزان تأثیر متغیر مستقل پول تو جیبی در گرایش به مصرف مواد مخدر ضعیف است اما در پاسخ‌های داده‌شده به سؤال (پول مواد مخدر را از چه طریقی به دست می‌آوردی؟) ۵۶٪ جامعه آماری بیان داشته‌اند که شخصاً کار می‌کردند و نیازی به دریافت پول از خانواده خود نداشته‌اند و ۳۲٪ آن‌ها از خانواده خود پول دریافت می‌کردند؛ بنابراین در می‌یابیم که میزان پول موجود نزد جوانان اعم از اینکه از خانواده دریافت کنند یا اینکه حاصل تلاش خود آن‌ها باشد از عوامل مؤثر در گرایش به سوءمصرف مواد مخدر است و باید خانواده‌ها و مسئولان ذی‌ربط نیز به آن توجه داشته باشند.

۲. وسایل ارتباط جمعی: با تأمل در جداول آماری سؤالات در می‌یابیم که ۷۲٪ جامعه آماری به ماهواره و اینترنت علاقه نداشته‌اند از آنجا که $R^2=0/055$ است یعنی میزان تأثیر این متغیر مستقل در گرایش به مصرف مواد مخدر ضعیف است، اما وجود رابطه بین آن‌ها تأیید شده است. به عبارت دیگر جذابیت برنامه‌های رسانه‌های جمعی کمتر از عوامل دیگر است.

۳. گروه‌های مرجع: با نگاهی به جداول آماری سؤالات در می‌یابیم که به‌طور میانگین ۵۵٪ افراد جامعه آماری به گروه‌های مرجع از قبیل خوانندگان، هنرپیشه‌ها و ورزشکاران علاقه ندارند و $R^2=0/054$ است. یعنی میزان تأثیر این متغیر مستقل در گرایش به مصرف مواد مخدر ضعیف می‌باشد اما رابطه بین آن‌ها تأیید شده است. البته این بی‌علاقگی به هنرپیشه‌ها (۷۲٪)، خوانندگان (۴۹٪) و ورزشکاران (۴۴٪) نیز مانند بی‌علاقگی به رسانه‌ها می‌تواند از عوامل تشدیدکننده گرایش به مواد مخدر باشد.

۴. روابط والدین و نوجوان: با نگاهی به جداول آماری سؤالات در می‌یابیم علیرغم اینکه قریب ۶۰٪ جامعه آماری افرادی هستند که والدینشان از روابط خوبی در منزل با یکدیگر

برخوردارند ولی باز هم به مصرف مواد مخدر روی آورده‌اند که به‌طور عمده ناشی از سایر موارد از قبیل: بدخلقی با فرزندان (۵۲٪)، سرزنش قرار دادن آن‌ها (۶۷٪) و احساس تنهایی در منزل (۷۲٪) است و هر چه این ارتباط ضعیف‌تر گردیده میزان آلودگی به مواد مخدر بیشتر شده است.

۵. نقش دوستان و همسالان: با نگاهی به جداول آماری سؤالات در می‌یابیم افرادی که با والدین خود رابطه ضعیفی دارند بیشتر به سوی دوستان و همسالان گرایش داشته و (۷۵٪) آن‌ها افرادی هستند که با دوستان خلاف‌کار معاشرت دارند در حالی که بیشتر اوقات فراغت خود را با آن‌ها به سر می‌برند و از تفریح با آنان نیز احساس لذت دارند بنابراین، احساس خوشایندی که از این تفریح، که اغلب ناسالم هم هستند، به آن‌ها دست می‌دهد، سبب تحریک بیشتر فرد برای تداوم آن شده و فرد را هر لحظه آلوده‌تر می‌سازد. اگر چه میزان ضریب تعیین فرضیه شماره ۱ معادل $R^2 = 0/008$ محاسبه گردیده و میزان تأثیر نسبتاً کمی را تأیید می‌کند اما هنوز هم این فرضیه از اعتبار بالایی در میزان گرایش نوجوانان و جوانان به مصرف مواد مخدر برخوردار است. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت سایر متغیرهایی که در این فرضیه مد نظر قرار نگرفته‌اند سهم بیشتری در گرایش به مصرف مواد مخدر دارند.

پیشنهادها: در حال حاضر مهم‌ترین راهبردهای پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر در جهان عبارت است از: ۱. آگاه‌سازی افراد در مورد خطر و زیان بخش بودن مواد مخدر؛ ۲. افزایش مهارت‌های زندگی مانند: مهارت تصمیم‌گیری، حل مسئله، ارتباطات اجتماعی؛ ۳. تقویت فعالیت‌های جایگزین به جای مواد مخدر برای ارضای نیازهای روانی، اجتماعی نوجوانان و جوانان؛ ۴. مشاوره و مداخله حین بحران در بحران‌های مختلف در طول زندگی؛ ۵. ارتقای سطح فرهنگی و مذهبی؛ ۶. تقویت قوانین و مقررات مبارزه با مواد مخدر؛ ۷. درمان معتادان برای جلوگیری از سرایت اعتیاد.

راهبردهای فوق در قالب فعالیت‌های ذیل قرار می‌گیرند: ۱. فعالیت‌های متمرکز بر فرد؛ ۲. فعالیت‌های متمرکز بر آموزش و آگاه‌سازی والدین؛ ۳. فعالیت‌های متمرکز بر معلمان و مدرسه؛ ۴. فعالیت‌های پیشگیری با استفاده از رسانه‌ها؛ ۵. فعالیت‌های پیشگیری با استفاده از شبکه‌های بهداشتی اولیه؛ ۶. وضع و اجرای قوانین و مقررات.

با توجه به موارد فوق می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:

۱. ایجاد تفریح سالم و کم‌هزینه، متناسب با سطح درآمد خانواده‌ها و جوانان به نحوی

- که هزینه رفتن به سینما، شهر بازی، کنسرت موسیقی، تئاتر، باشگاه‌های ورزشی و ... کمتر از استعمال مواد مخدر تمام شود و نوجوان برای استفاده از این گونه سرگرمی‌ها با مخالفت والدین و یا کمبود پول توجیبی مواجه نگردند و خانواده‌ها برای پرداخت هزینه‌های آن با مشکل مالی مواجه نشوند؛
۲. تولید و ترویج برنامه‌های تلویزیونی مهیج و دارای جذابیت کافی به منظور جلوگیری از توجه نوجوانان به برنامه‌های ماهواره‌ای و...؛
۳. ایجاد فضای مناسب و رفع محدودیت‌های موجود در جامعه برای گروه‌های مرجع و تربیت گروه‌های مرجع داخلی و ایجاد جاذبه قوی به منظور جلوگیری از گرایش جوانان به گروه‌های مرجع خارجی؛
۴. ارتقای سطح تحصیلات خانواده‌ها اعم از والدین و نوجوانان و جلوگیری از ترک تحصیل آنان و برقراری ارتباط سالم با فرزندان؛
۵. نظارت بر ارتباط با گروه‌های همسالان و راهنمایی نوجوانان در دوست‌یابی و انتخاب دوست؛
۶. تشکیل پلیس نوجوانان در سازمان ناجا به منظور تربیت پلیس آگاه به مسایل و نیازهای نوجوانان و جوانان و حضور فعال در سینماها، پارک‌ها، مراکز تفریحی و ارائه مشاوره و راهنمایی و ارشاد آن‌ها در جهت بازگشت به موقع آنان در آغوش خانواده و جامعه.

منابع

منابع فارسی:

- امانت، حمید (۱۳۷۳). *بررسی عوامل اجتماعی بزهکاری نوجوانان در تهران*. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تهران.
- امین صارمی، نوذر (۱۳۷۷). *انحرافات اجتماعی و خرده فرهنگ‌های معارض*. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- خدایاری فرد، محمد (۱۳۷۱). *مسائل نوجوانان و جوانان*. تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، واحد انتشارات.
- روزبهبانی، توران (۱۳۷۸). *نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم در خانواده)*. دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، تهران.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۴). *آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)*. تهران: آوای نور.
- مظلومان، رضا (۱۳۵۳). *جامعه شناسی کیفی*. تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
- منطقی، مرتضی (۱۳۷۷). *راز گل سرخ*. جلد چهارم. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.

چکیده انگلیسی مقالات به همراه ترجمه کلیه منابع فارسی و منابع انگلیسی



Archive of SID